



آنجلومیکله پیه مونته

تاریخچهٔ ایرانشناسی در ایتالیا

۱ - پیش گفتار

سر آغاز مطالعات ایرانشناسی در ایتالیا، به نیمهٔ سدهٔ شانزدهم برابر با نخستین دوران حکومت صفویان، باز می‌گردد، یعنی به آن زمان که در جرگهٔ افاضل ایتالیا یک آشنائی علمی تحقیقاتی دربارهٔ ایران بر پایهٔ درک واقعیت زبان و ادبیات فارسی رشد پیدا کرد.

پیش از این دوران، ادباء و دانشمندان در اروپا، تنها یک زبان جهان اسلام، یعنی زبان عربی را می‌شناختند، و به موجودیت زبانی ادبی همچون فارسی، توجهی مبذول ننموده بودند.

تکامل نوین درک علمی دانشمندان ایتالیا از واقعیت فرهنگی ایران، در پی یک روند آشنائی جغرافیائی، و ملاحظات تاریخی صورت گرفت. چنین روندی دقیقاً یک سده پیش از آن آغاز شد. با به قدرت رسیدن اوزون حسن آق قویونلو (م. ۱۴۷۸ - ۱۴۵۷)، ایران چون یک مملکت متحد سربر آورده بود که در مرزهای باختری خود با امپراتوری نیرومند عثمانی تحت حکومت سلطان محمد، فاتح قسطنطنیه، (م. ۱۴۵۳) در نبرد بود. امپراتوری عثمانی، در عرصهٔ کنترل رفت و آمد و بازرگانی میان آسیا و

مدیترانه، هم رقیب بزرگ ایران بوده و هم دشمن ترسناک جمهوری ونیز. بدین ترتیب جمهوری ونیز، یعنی قدرت دریائی مسلط آنزمان در مدیترانه خاوری، و حکومت پاپ نشین رم، پیوندهای بسیار نزدیک دیپلماتیک، و نیز پیمان‌های مودت با اوزون حسن و سپس با صفویان بستند.

سفیران، سیاحان و بازرگانان ونیزی، گزارشات و خاطراتی با ماهیت جغرافیائی - سیاسی (ژئوپلیتیک) ایران نگاشتند. نوشته‌های مزبور که مسائل جغرافیائی، تاریخی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، مردم شناسی را در برمی گرفت، به عرصه ملاحظاتی تعلق داشت که امروزه می‌توان به روزنامه‌نگاری نسبت داد، به این معنا که این نوشته‌ها در دایره بررسی‌ها و پژوهش‌هایی که دارای روش و هدف علمی است نمی‌گنجد. با اینهمه، این آثار که بیش از همه کتابهای سیاحان را در برمی‌گیرد، در باز شناختن جغرافیائی و مردم‌شناسی ایران از سوی اروپا اهمیت بارزی داشته است، و امروزه نیز به منزله منبع تاریخی همواره سودمند است. در میان این آثار، سفرنامه‌های باربارو^۱ و کنتارینی^۲ درباره دوران اوزون حسن، و سفرنامه نویسنده گمنام «بازرگان»، درباره نخستین دوران صفویان پرآوازه‌اند. یک اثر ویژه، عبارت از خاطرات مارین سانودو^۳ است که دربرگیرنده یادداشت‌های روزانه و بازنویسی گزارشات و مدارکی است درباره روی‌گار آمدن و تثبیت قدرت صفویان در ایران (م. ۱۵۲۴ - ۱۵۰۱). در اینجا بایست یادآوری نمود که به حکومت رسیدن شاه اسماعیل صفوی، در ایتالیا، یعنی جایی که او را «صوفی»^۴ می‌خواندند و عوام به او به چشم یک «پیامبر نو» می‌نگریستند، بازتاب گسترده‌ئی داشته است.

لئوناردو داوینچی نیز درباره این شخصیت، که آئین شیعه را در حد آئین رسمی ایران استوار ساخت، یادداشتی نگاشت. سفرنامه نماینده ونیز میکله ممبره^۵ به سال ۱۵۴۲ میلادی، یک منبع غنی اطلاعاتی است درباره بافت حکومت صفوی در خلال پادشاهی شاه طهماسب اول.

۲ - آشنائی با ادب فارسی

آشنائی علمی، به عکس عبارت بود از شناخت لاینقطع و هرچه افزون‌تر

ریشه‌های فرهنگی و ادبی ایران اسلامی. آنچه که نخست از دوران قرون وسطی از خلال حرکت جهان اسلام و عمدتاً از زبان و علم عربی، و بعداً به میانجیگری جهان ترکان عثمانی - بیرون تراویده بود، در حدود نیمه سده شانزدهم هرچه عیان‌تر تمیز داده شد. برای نخستین بار معلوم شد که ایران دارای زبانی از آن خویش است که از زبان عربی و ترکی جداست و افزون بر آن دارای یک میراث درخشان ادبی است.

حال، این واقعیت بزرگ فرهنگی چگونه پدید آمده است، هنوز قابل مطالعه و بررسی است. لیکن بیگمان آن دوران تاریخ اروپا هم که به نام مدرن خوانده می‌شود همراه با آگاهی از موجودیت یک زبان و ادبیات بزرگ دوم در جهان اسلام، آغاز می‌گردد. افزون بر این، بسی پرمعناست که چندین کشفی ثمره تجدید پژوهش هومانیت‌ها و بیداری هنرها و علوم است که با رنسانس، ایتالیا را به تسلط فرهنگی در اروپا برافراشت. اشاره به این نکته حائز اهمیت است که کشف زیبایی زبان پارسی و ادراک اهمیت ادبیات ایران، بدور از منافع قدرت‌های سیاسی و بدور از عرصه منافع اقتصادی، مرهون تلاش و زحمات پژوهشی اهل علم و ادب بوده است. همچنین با رنسانس ایتالیا یک جریان فکری استوار گشت که راه پژوهش را بخاطر عشق به دانش هموار می‌ساخت، یعنی بدون داشتن اهداف دیگر، در جستجوی شناخت و پیشرفت دانش گام برمی‌داشت. از سوی دیگر، این، آن تعالیم فلسفی زاده در روند فرهنگی سده پانزدهم است که در ایتالیا و اروپا، نام «هومانیسم» بخود گرفته است: مطالعه انسان در رابطه با بشریت. و همواره پژوهشگران و دانشمندانی وجود داشته‌اند که به این اصل وفادار مانده و بیغرض کار نموده‌اند.

دیباچه دوران مدرن هنگامی نگاشته شد که استفان پنجم اسقف اعظم ایالت مسیحی ارمنستان بزرگ که پایتخت سیاسی آن (در اثناء سلطنت شاه طهماسب اول) تبریز بود، در روم یک دستنوشته غیرعادی به پاپ پائولوی سوم هدیه کرد (۱۵۴۸ م). این، یک «الانجیل المعظم» بود بزبان فارسی. این دستنوشته که اکنون در فلورانس نگهداری می‌شود نسخه‌ئی از چهار انجیل بیماتند در جهان است، و بایست به کفایت مورد بررسی قرار گیرد. شگفت تر از این، انتشار اثری است در ونیز (۱۵۵۷ م). به نام «سفر زیارتی سه شاهزاده سرانندیب» که به همت یکی بنام «کریستوفر

ارمنی» و بعضی ادباء و نیز از فارسی به ایتالیایی ترجمه شده است. این کتاب نخستین اثر ادبی فارسی است که به یک زبان اروپایی برگردانده شده برای نقطه عطفی دیگر، یادآوری می‌شود که دومین اثر، ترجمه کتاب گلستان سعدی به زبان فرانسه است به کوشش دوریر (۱۶۳۴ م). اینجانب بر پایه سندی که در بایگانی واتیکان نگاهداری می‌شود، توانستم نشان بدهم که کریستوفر به احتمال بسیار یک ارمنی است به نام «مسیحی» که اصلیتش تبریزی است.

هویت این اثر فارسی که در ونیز ترجمه و انتشار یافته است امیرآرامیز بود. در واقع این کتاب که مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه را در برمی‌گیرد، که سر آغاز آن حکایت سه شهزاده سرانندیب و پرولوگ آن داستان بهرام گور و دلارام است. پیش از آنکه یک ترجمه باشد یک اقتباس است، یعنی همان گونه که زمانی متداول بود، آمیخته‌ای است از یک متن اصلی همراه با عناصر اخذ شده از متون دیگر. این کتاب، در اروپا، بویژه در فرانسه و انگلستان معروف شد و بار دیگر ترجمه و مورد تقلید قرار گرفت، چرا که حاوی داستان‌هایی با ماهیت رمز و راز و اشاراتی هوشمندانه می‌باشد. بهین جهت این کتاب از آغاز سده هفدهم بمنزله مدل تکامل نوول نوع پلیسی بکار برده شد. با تحقیقی تازه توانستم به یقین ثابت نمایم که اثر ترجمه شده فارسی به ایتالیایی در ونیز به سال ۱۵۵۷ هشت بهشت امیر خسرو دهلوی است. بر این متن اصلی، عناصر ناهمگن که از هفت پیکر نظامی، سبعة سیاره میرعلیشیر نوائی، مثنوی به زبان ترکی، و شاید حتی از هفت منظر هاتفی - تا آنجا که به داستان بهرام گور و دلارام، یا به عبارتی آزاده در فردوسی و فتنه در نظامی مربوط است - اخذ و بر آن افزوده شده است.

گزینش هشت بهشت امیر خسرو دهلوی به منزله نخستین اثر ادبی فارسی وارده به اروپا، شگفت‌انگیز است. این یک مثنوی است که تقریباً هنوز هم برای خود ایرانشناسان امروز ناشناخته مانده است. همانا از این شگفت‌ترین واقعیت است که برای چاپ مجدد کتاب، گروه ادباء و نیز، میان مثنوی‌های فارسی و ترکی، که زمینه اصلی آن ماجرای بهرام گور است، مقایسه‌ای به عمل آورده، و با این مقایسه کاری را به ثمر رسانده است که در دایره ایرانشناسی هنوز هیچیک از محققین به تحلیل یا تعمیق آن نپرداخته است.

در این میان، در ونیز و دیگر شهرهای ایتالیا، اقدام چشمگیر دیگری آغاز شده بود: چاپ آثار کشورهای شرقی و متون عربی برای نخستین بار در اروپا. برای نمونه میدانیم که نخستین چاپ قرآن مجید به دست حروفچینی که در جمهوری ونیز فعالیت داشت در حدود (م. ۱۵۳۸ - ۱۵۱۸) انجام گرفت. این فعالیت، تفهیم متون و بررسی خطوط شرقی (الفباها)، یعنی تجزیه و تحلیل دستنوشته‌ها را در پی داشت.

در سال ۱۵۸۴ م. یعنی بیش از چهار قرن پیش، یک «چاپخانه شرقی مه‌دیچی»^۷ در رم پایه‌گذاری شد تا متون شرقی را به شکل کتاب‌های چاپی، چه در اروپا، و چه در مشرق زمین پخش نماید. این اقدام سپس به شکست انجامید زیرا که در آن زمان کتاب چاپ شده، در جهان اسلامی پذیرفته نبود، و کتاب‌های خطی را بر آن برتری می‌دادند. به هر جهت، شمار بسیاری از کتاب‌های خطی عربی، فارسی، و ترکی گردآوری، مطالعه، رونویسی، برگردانده، و برای چاپ در رم آماده شد.

وانگهی نخستین چاپ القانون فی الطب بقلم ابن سینا (رم ۱۵۹۳ م.) و چاپ نخست کتاب تحریرالاصول اقلیدس به تصحیح نصیرالدین طوسی (رم ۱۵۹۴ م.) پایان گرفت. چاپ این کتاب‌ها، گواه بر علاقه‌ئی است که بیش از همه به متون علمی عربی نشان داده می‌شد که به همت مؤلفان ایرانی تدوین شده و در اروپا از قرون وسطی به بعد از والاترین حیثیت برخوردار بود.

ولی امر نوین در این دوره رنسانس آنست که برای نخستین بار متون علمی فارسی نیز مورد مطالعه قرار گرفت. برخی از مردان علم و ادب ایتالیا به وجود و اهمیت ادبیات علمی در زبان فارسی پی برده بودند. همچنین مطالعه متون علمی فارسی، پیش از مطالعه متون علمی عربی، دارای هدف باستانشناسی بود: به این امید هم که در این متون اثری از آثار یونان باستان بیابند که به زبان عربی با فارسی برگردانده شده، و نوشته اصلی یونانی آن از دست رفته باشد. جستجوی متون علمی کهن از دست رفته یونانی، از طریق ترجمه‌های کهن شرقی هیچگاه متوقف نشده است.

نخستین محققى که ادبیات علمی فارسی را کشف می‌نماید جوان باتیستا رایموندی^۸ (ناپل ۱۵۳۶ - رم ۱۶۱۴)، استاد ریاضیات و فلسفه دانشگاه رم، و مدیر «چاپخانه شرقی» بود. رایموندی، یک شخصیت برجسته تحقیق است که زحمات او در

مجامع علمی دوران خود علاقه بسیاری برانگیخته، و نیز از سوی دانشمندان برجسته‌ئی همچون گالیله مورد تقدیر قرار گرفته است. رایموندی، انتشار و ترجمه شماری از متون فارسی علمی را (چون ریاضی، اخترشناسی، پزشکی و غیره) و زبانشناسی (چون دستور زبان و فرهنگ لغات) در برنامه خود گنجانده بود. برای نمونه، وی کتاب‌های سی فصل در تقویم و زیچ ایلخانی نوشته نصیرالدین طوسی، رساله فی الطريق المسائل العدیدیه شرف‌الدین سمرقندی (۶۳۲ هـ. ق. ۰)، مقدمه‌الادب زمخشری، وسیله‌المقاصد خطیب رستم مولوی، قوانین فرس سید احمد بن مصطفی، معروف به لالی را مطالعه کرد.

بسیاری از کتب خطی فارسی به همت دو تن از همکاران رایموندی، یعنی برادران جووان باتیستا و جرولامو و کیتی^۱ برای کلکسیون «چاپخانه شرقی» فراهم آورده شد. آنان به جستجوی کتب، به مصر، خاور میانه، ایران و هند مسافرت می‌کردند (۱۶۰۷ - ۱۵۹۱ م.) و آنان را به ایتالیا می‌آوردند، که امروزه در کتابخانه‌های ناپل، رم، فلورانس، و پاریس نگهداری می‌شوند. جووان باتیستا و کیتی، متون توراتی را به زبان یهودی - فارسی گردآوری و روی آن تحقیق نمود، و نخستین اروپائی بود که این گونه ادبیات را کشف کرد. جرولامو و کیتی با خود یک دست‌نوشته ارزشمند فارسی از قاهره آورد که امروزه در کتابخانه ملی فلورانس نگهداری می‌شود و ده سال پیش از سوی اینجانب چون نخستین جلد شاهنامه فردوسی شناسائی شد.

این دست‌نوشته درخشان، و به قطع با عظمت (۳۲ × ۴۸ سانتیمتر)، شاید در محفل طریقه اخیان در آناتولی نوشته شده است. هر صفحه این کتاب با یک، دو یا سه سرلوحه به تذهیب آراسته گشته (مجموعاً بیش از ۷۰۰ سرلوحه) که در درون‌شان جملات طلب خیر، به زبان عربی و به خط کوفی زرنگار (۲۶ × ۵/۵ سانتیمتر) آمده است.

برای نمونه: «العز والمال والدوله والسعادة والسلامة والرفعة والنصرة الصداقة البهجة لصاحبه». پیشگفتار منشور بر متن کتاب به خط نسخ زرنگار است که دارای اهمیت است زیرا که سندی است دال بر آنکه پیشگفتار مشهور بایسنغر میرزا برپایه پیشگفتار کهنی چون این دیباچه نوشته شده است. آقای ارجمند ایرج افشار در مجله «آینده» (سال ششم، ۱۳۵۹ صص ۲۱۳-۲۰۷) خبری درباره یافتن این شاهنامه از اینجانب،

درج کرد و در همان شماره، آن پیشگفتار را به چاپ رسانید.

امروز بمناسبت این سمینار ایران‌شناسی، برای نخستین بار در ایران، تعدادی از اسلایدهای رنگی برخی از صفحات این دستنوشته را که دارای ارزشی غیرقابل تخمین است، نشان میدهم. کاتب در پایان دستنوشته چنین آورده است: «تمام شد مجلد اول از شاه نامه پیروزی و خرمی روز سه‌شنبه سینم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده بحمدالله تعالی و حسن توفیقه و صلی‌الله خیر خلقه محمد و آله الطاهرین الطیبین».

و لهذا این نسخه که به تاریخ ۳۰ محرم سال ۶۱۴ هجری قمری پرداخته شده است، کهن‌ترین شاهنامه فردوسی موجود در جهان است. بررسی‌های واپسین دکتر جلال خالقی مطلق نشان داده‌اند که این دستنوشته فلورانس همچنین از دیدگاه متن ادبی آن مهم‌ترین دستنوشته است. این کتاب در حقیقت تعدادی از اشکال زبانی و شعری و بیانی ناب یا اصیل عصر کهن را در خود حفظ کرده است که در هیچیک از دستنوشته‌های متن مشابه دیده نمی‌شود. تصحیح نقادانه جدید شاهنامه به کوشش خود دکتر خالقی مطلق، دفتر یکم آن در سال گذشته (۱۹۸۸) به چاپ رسید، عمدتاً بر پایه نسخه فلورانس است.

۳ - آشنائی با زبان فارسی

برنامه‌های گسترده رایموندی به آخر نرسید. بخش اعظم رونویسی‌ها و ترجمه‌هایش از متون علمی و دستوری به زبان ایتالیائی یا به لاتین، نیمه‌کاره یا بصورت چرکنویس باقی ماند. مشکلات مالی، که «چاپخانه شرقی» را در نوردید، حتی زندگی خود او و مطالعاتش را دشوار ساخت. دهها دستنوشته بازمانده از رایموندی که بیشترشان در کتابخانه‌های فلورانس نگهداری می‌شود و با خطی واضح و زیبا نوشته شده است، نشانگر کار بس عظیمی از رونویسی و ترجمه است. در برنامه وی، افزون بر آثار پیشگفته ابن سینا و اثر اقلیدس، چاپ متون و ترجمه دهها کتاب دیگر فارسی و عربی قرار داشت. او همچنین به مطالعه تفسیر قرآن، و متون شعری آغاز کرده بود. نمونه چاپی یک غزل از شاعری معروف متخلص به شاهی سبزواری (در گذشته در ۸۵۷ ه. ق.)، که به همت اوست، در فلورانس نگهداری می‌شود. هرچند که این متن منتشر نشد، لیکن این نخستین متن فارسی بچاپ رسیده است. این غزل شاهی چنین آغاز می‌شود:

ای در درون خسته نشان خدنگ تو جانم جراحت از مژه تیز چنگ تو

رایموندی ویژه گی اساسی زبان و خصوصیت عمده ادبیات فارسی، یعنی طبیعت جهانشمول شعر فارسی را کاملاً درک کرد. وی، در این باره یادداشتی نگاشته است که در میان برگ‌های دستنویس او در فلورانس یافته و بتازگی منتشر کرده‌ام. شاید این یادداشت که نشانگر باریک بینی، تجربه ژرف او در زمینه تحقیقات زبانی، و نیز حساسیت وی در زمینه ادبی است، قابل ذکر در پیشگفتار هر کتاب تاریخ ادبیات ایران می‌باشد. و این، متن نوشته اوست حدوداً به سال ۱۵۸۰ میلادی:

«بی عیب و نیکو سخن گفتی به هر زبانی بهر انسان میسر نیست. انسانی به زبان نیکو و بی عیب سخن گفتن تواند که زیباترین، شیرین‌ترین و کامل‌ترین زبان‌هاست. این زبان کامل‌ترین همه زبان‌هایی است که امروزه دانسته میشود. بنظر می‌رسد که هم شرقیان و هم آنانی که بیش از همه به مطالعه زبان‌های جهان پرداخته‌اند به ستودن این سه زبان نشسته‌اند: یونانی، عربی و پارسی. با اینهمه، هم آنانی که طبعی بس لطیف در شناخت زبان‌ها دارند بحق به داوری بنشسته‌اند که زبان فارسی را بایست زیباترین، فاخرترین و شیرین‌ترین زبان موجود در جهان دانست. زیرا که به زبان پارسی کتاب‌هایی از هر فن و دانش، و بویژه چندان کتب شعر نگاشته‌اند که انگار خداوند عمداً آن را به آدمی اعطاء فرموده است تا او را به ابراز معانی به شعر وا دارد. بنابراین هر کس باید نخست زبان پارسی را بطور کامل بیاموزد.»

۴ - دو قرن تحول

برخی از نکات این یادداشت، چنان بنظر می‌رسد که گوئی اقتباسی از مقدمه قوانین فرس نوشته لالی دانشمند ترک - عثمانی (متوفی حدود ۹۷۱ ه. ق.) زبان فارسی است. کتابی در مورد دستور زبان فارسی که رایموندی آن را تهیه کرده بود، بعدها دیگر به چاپ نرسید.

اولین کتاب دستور زبان فارسی را که توسط محقق ایتالیائی نگاشته شده و در رم به سال ۱۶۵۴ م. به چاپ رسید، می‌بایست مرهون زحمات اینا زیو دی جسو دانست.

این مبلغ مسیحی فرهنگ لغت لاتین - فارسی را که قابل توجه است، تهیه نمود. و روش بسیار جالب استنساخ از خط زبان عربی - فارسی با حروف لاتین ارائه نمود.

خانم دکتر پائولا اورساتی^{۱۱} یکی از شاگردان بنده که در ضمن دستیار تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه رم می‌باشد اخیراً به تشریح اهمیت این اثر پرداخته است. در اینجا می‌توان یادآور شد که مبلغ مسیحی دیگری بنام مائوریزو گارزونی^{۱۲} در رم به سال ۱۷۸۷ م. اولین کتاب دستور زبان کردی را که توسط یکی از ادیبان اروپائی نوشته شده بود، انتشار کرد.

شایسته است که آثار مبلغین مذهبی کاتولیک که صرفاً مطالعات ایران شناسی بوده، مانند آثاری که در فوق نام برده شده، تفکیک شود. فعالیت تبلیغات دینی و مناظرات دین شناسی که مبلغین مسیحی در ایران و در سایر کشورها انجام داده‌اند، مربوط به تاریخ ادیان و روابط سیاسی و مذهبی بین شرق و غرب می‌شود. بطور مثال این مور مناظره دینی است که بین مبلغین دینی کاتولیک و فیلسوف شیعه سید احمد بن زین العابدین علی عاملی اصفهانی (متوفی به سال حدود ۱۰۶۰ ه. ق.) صورت گرفته و به مبادله نوشته‌های متعددی از مبانی اصول دین مسیحی و مذهب شیعه، دفاع کرده است.

در این مناظرات که در اصفهان صورت گرفته، سیاح و دانشمند برگزیده رومی پیتر و دلواله^{۱۳} نیز شرکت داشته است. دلواله که بین سالهای ۱۶۵۲ - ۱۵۸۶ م. زندگی کرده است، شعر و ادبیات و اخترشناسی فارسی را مطالعه و بررسی کرده است، حاصل مطالعات او دست نوشته‌هایش می‌باشد که هم اکنون در کتابخانه واتیکان و در کتابخانه ملی مودنا حفظ و نگهداری می‌شود. علائق فرهنگی گوناگون دلواله در رابطه با ایران، هنوز موضوع پژوهش و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. و نیز انتشار و انتقادی، کامل و مدرن از گزارش سفرنامه او نیز در دسترس هنوز قرار نگرفت.

دلواله همچنین فرهنگی وسیع و طبع خاصی در زمینه موسیقی و شعر داشته است. او در میان اولین اروپائینی بود که اشعاری به زبان فارسی نگاشته است و محتملاً، هم او بوده که نخستین بار نام و شهرت شعر حافظ را در محافل ادبای ایتالیا و اروپا گستراند. صحت موضوع فوق را شاگرد بنده دکتر فیلیپو برتونی^{۱۴} با گزارشی که در کنگره بین‌المللی بزرگداشت حافظ (شیراز آبان‌ماه ۱۳۶۷) ارائه نمود، نشان داده

اما، علی‌رغم تقدم‌های ذکر شده، پس از نیمه قرن هفده، و در پایان نیمه قرن نوزدهم میلادی، مطالعات ایران شناسی در ایتالیا از رونق افتاد، در حالیکه در سایر کشورهای اروپائی، این مطالعات به روش علمی، پیشرفت کرده و توسعه یافتند. این از رونق افتادگی بدلائل متعدد و پیچیده‌ای صورت گرفته است که از میان آنها، انحطاط سیاسی و اقتصادی دولت‌های ایتالیا، به انضمام جمهوری ونیز می‌باشد، که هیچکدام آنها روابط دیپلماتیک مستحکمی را با ایران حفظ نکردند.

در عوض، در طول این دوران، در ایتالیا مجموعه‌هائی از دست‌نویس‌های فارسی جمع‌آوری شد. و این خود گواه ارائه علاقه و توجه نسبت به فرهنگ ایرانی است. در این رابطه می‌توان به ویژگی ساختاری فرهنگ ایتالیائی توجه کرد که پیوسته غیرمتمرکز و بصورت پراکنده در پایتخت‌ها و مراکز استان‌ها توزیع شده است.

در واقع، بر اساس فهرستی از دست‌نویس‌های فارسی که در ایتالیا حفظ می‌گردد، و اینجانب آنها را تهیه کرده‌ام، و در حدود ماه ژوئن سال ۱۹۸۹ بچاپ خواهد رسید، امروزه بیش از ۴۰۰ دست‌نویس فارسی درسی کتابخانه عمومی واقع در ۱۵ شهر مختلف ایتالیا یافت می‌شود. براین تعداد، میشود تعداد ۲۳۰ دست‌نویس و ۱۰۳۳ جزوه مربوط به تعزیه را اضافه نمود. در اروپا، تنها در آلمان همچنین به میزان وسیعی از دست‌نوشته‌های فارسی در سطح مملکت یافت می‌شود، در حالیکه در فرانسه و یا در انگلستان، این دست‌نویس‌ها در پایتختها و در یکی دو شهر دیگر کشور متمرکز شده است.

در طول قرن هفده م، تعداد قابل توجهی از دست‌نویس‌های ایرانی در کتابخانه واتیکان در رم و در کتابخانه «آمبروسیانا» (میلان)، در بلونیا، مزین به مجموعه جمع‌آوری شده توسط عالم و سیاح لوییجی فردیناندومارسیلی^{۱۵} (۱۷۳۰ - ۱۶۵۸ م) و در کتابخانه فلورانس، در طول قرن هیجده م. در کتابخانه «کاساناتسنه» (رم) و در ونیز مزین به مجموعه یا کوپونانی^{۱۶} (۱۷۹۷ - ۱۷۲۵ م)، جمع‌آوری و حفظ گردیده است. سپس، بخصوص به همت سیاستمدار و دانشمند رومالدو تکو^{۱۷} (۱۸۶۷ -

۱۸۰۲ م) مجموعه کوچک اما پربهای دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه سلطنتی تورن نیز بوجود آورده شد. در این کتابخانه اثر بی‌نظیر منطق‌الطیر نوشته سال ۸۵۷ ه. ق. به

قلم خطاط نصیر بن حسن المکی را، که به خطی بسیار خوش، مزین به شش تصویر زیبای مینیاتور، پیدا کردم. بدین مناسبت اسلایدهائی را از این دست نوشته هم به نمایش میگذارم که خود نمونه قدیمی ترین اثر مصور مثنوی مشهور عطار می باشد.

این اثر از هر نظر شاهکاری است، که در دوره تیموریه نگاشته شده است، و در واقع اوج هنر کتاب در ایران اسلامی است.

۵ - دوره جدید

در دوره تکو، تورن پایتخت پیه مون و ساردینا بود. این قدرت بعدها دولت ایتالیا را تشکیل داد. (۱۸۶۱). ایتالیا که پس از قرنها متحد شد، زندگی خود را بصورت کشوری مدرن آغاز کرد. عزیمت هیئت عالی نمایندگی ایتالیا به ایران (۱۸۶۲ م.) فرصت خوبی بود تا روابط سیاسی ماندگار بین دو کشور تجدید شده و به بازیابی کشفیات علمی تمدن ایرانی، از سوی دانشمندان و پژوهشگران ایتالیائی کمک نماید. ایتالیا و ایران دلائلی یافتند تا روابط دوستی و صلاح آمیز گذشته خود را دوباره از سر گیرند. در همین فرصت، گروهی از طبیعت گرایان و دانشمندان، هیئت نمایندگی ایتالیا را در سفر به ایران همراهی کردند. آنها گزارشاتی در مورد زمین شناسی، گیاههای بومی، حیوانات و بخصوص راجع به ماهی و پرندگان ایران نوشتند.

فیلیپوده فیلیپی^{۱۸} دانشمند ایتالیائی کتاب سفرنامه مهمی چاپ کرد (میلان ۱۸۶۳ م.) سیاستمدار و پژوهشگر، کریستوفورونگری^{۱۹} به گولیلموبر چه^{۲۰}، وظیفه داد تا کتاب مشهور، که مجموعه ای از مدارک راجع به تاریخ روابط بین جمهوری ونیز و ایران بود، بسط دهد. در آن دوران در تهران گروهی از افسران ایتالیائی مأمور دارالفنون در تهران به ارتش ایران تعلیم می دادند، از میان آنها انریکو اندرهینی^{۲۱} (لوکا ۱۸۲۸ م. - تهران ۱۸۹۴ م.) تعدادی گزارش سیاسی و تاریخی راجع به ایران نوشته است (۱۸۸۶ - ۱۸۷۱ م.).

جاکومولینیاننا^{۲۲} که اصلیت او از پیه مون (۱۸۹۱ - ۱۸۲۷ م.) بود، و در بن پیش ایران شناسان مشهوری چون اشپیگل و لاسن درس خوانده بود، پس از بازگشت از ایران در مؤسسه دانشگاهی شرق شناسی ناپل، تدریس زبان و ادبیات ایرانی را

بنیان گذاشت. (۱۸۷۳ م). تدریس زبان فارسی سپس در ناپل توسط گرادو ده‌ونچنتیس^{۲۳} (۱۹۰۷ - ۱۸۴۵ م) دانشمند زبانشناس و ادبیات، و لوئیجی بونلی^{۲۴}، ترک و اسلام شناس (۱۹۰۷ - ۱۸۴۵ م) ادامه داشت. پژوهشگران ایتالیائی بدین‌سان، با پیشرفته‌ترین مدارس تحقیق ایران شناسی اروپا، ارتباط برقرار کردند.

بهرجهت، انتالو پیزی^{۲۵} (۱۹۲۰ - ۱۸۴۹ م) بزرگترین ایران شناس ایتالیائی آن دوره، که در دانشگاه تورن تدریس می‌کرد، مخالف مدرسه زبان شناسی آلمانی بود و به تعقیب «فلسفه ادبیاتی» مخصوص خود پرداخت. پیزی با بلندپروازی که داشت، به مدت نیم‌قرن کوشا، در مقام ادیب، مدرس و مترجم و شاعر فعال بود. زمینه‌های ترجیحی مطالعات او، ادبیات کلاسیک فارسی، ادبیات تطبیقی و حماسه‌سرایی ایرانی بود، که او زمینه‌های فوق‌الذکر را طرز بیان روح ملی کشور ایران باستان می‌دانست که درست نقطه مقابل ایران اسلامی بود.

ترجمه کامل ۸ جلدی او از شاهنامه فردوسی (تورن ۱۸۸۹ - ۱۸۸۶ م) مشهور است.

آثار مهم دیگر پیزی تاریخی است بر شعر فارسی، تا دوره جامی که بنظر پیزی آخرین شاعر کلاسیک ایران زمین به حساب می‌آید. این کتاب در دو جلد است که ادبیات کلاسیک فارسی را شامل می‌شود. پیزی گلستان سعدی و اوستا را نیز ترجمه کرده است. شاگرد و دامادش ویتوریو روگالی^{۲۶} (۱۹۰۰ - ۱۸۶۰ م) در نظمی زیبا کک‌نامه و قسمتهائی از برزنامه و گرشاسب‌نامه را ترجمه کرده است. شاگرد دیگر پیزی، که اهل تورن بود، کارلو آلفونسونالینو نام داشت و اگرچه به ایران شناسی علاقه وافر داشت لیکن بعدها عرب شناس برجسته‌ای شد.

مدتهای مدیده، از ابتداء تا اواسط قرن بیستم میلادی مطالعات ایران شناسی توسط پژوهشگران ایتالیائی اسلام شناسان، عرب شناسان، ترک شناسان، تاریخ‌شناسان ادیان، زبان‌شناسان و سایرین انجام گرفت. تقریباً هیچیک از آنها امروز نمی‌تواند آنچه را که یک متخصص به تنهائی ارائه می‌دهد، ارائه نماید. دلیل این موضوع، بخشی به مناسبت طبیعت مطالعات خاص ایران‌شناسی است که مربوط به ادوار، انضباط، تمدن، زبان‌هائی که بسیار با یکدیگر متفاوتند، می‌شود و بنابراین پژوهشگران زمینه‌های مختلف

را به خود جلب می‌کنند. از طرفی این موضوع به سنت مخصوص پژوهشگران ایتالیایی نیز باز می‌گردد، که در مطالعات تخصصی بیشتر مطالعات خاص مربوط به تمدن‌های مختلف را ترجیح می‌دهند. تخصص‌گرایی خود، پدیده بسیار جدید بین‌المللی است که مضار و منافع مخصوص بخود را دارا است.

از میان بیشمار پژوهشگران دوره فوق‌الذکر که سهمی در مطالعات ایران‌شناسی دارند در اینجا مقدور ماست که تنها نام عده‌ای از مهم‌ترین آنها را یادآور شویم.

اسلام‌شناس مشهور لئونه کائانی^{۲۷} (۱۹۳۵ - ۱۸۶۹ م.) که انحطاط شاهنشاهی ساسانیان و تاریخ تصوف ایران توسط اعراب مسلمان را مطالعه کرده است. او در سفرهایش به هند و ایران و در تماس خود با ایران‌شناسان اروپایی یک کلکسیون معتبر دست‌نوشته‌های فارسی اعم از متون شعری و تاریخی جمع‌آوری نمود که امروزه در آکادمی ملی لینگه‌ای رم حفظ می‌گردد. رفائله پتازونی^{۲۸} (۱۹۶۳ - ۱۸۵۳ م.) مطالعات مهمی از خود در مورد مذهب زرتشت واله میترا به چاپ رساند. جوسپه مسینا^{۲۹} (۱۹۵۱ - ۱۸۹۳ م.) جزوه‌های دوره پهلوی و اساس مغانها در روایات زرتشت و توسعه مانی‌گری در آسیای مرکزی تا عصر مغول، شعر صوفیان ایران اسلامی را مطالعه و بررسی کرده است.

آنتونیوپالیاو^{۳۰} (۱۹۷۳ - ۱۸۹۸ م.) که زبان‌شناسی ایران را در دانشگاه رم تدریس کرد، زبانهای باستان ایران بخصوص متون ادبی پهلوی، قوانین شاهنشاهی ساسانی در مقایسه با حقوق و قوانین رم باستان، تصرف شاهنشاهی ایران از سوی اسکندر مقدونیه‌ای را مطالعه کرد. اوگو مونره ده‌ویلارد^{۳۱} (۱۹۵۴ - ۱۸۸۱ م.) کارشناس برجسته تاریخ معماری اسلامی و هنر ایرانی، تاریخ و اشاعه مانی‌گری را در حومه‌ها و نقاط دور افتاده و تأثیر فرهنگ ایرانی در افریقای شرقی را مطالعه کرد. کتاب او که اقتباسی است از ریشه‌های شرقی ایرانی سه پادشاه مجوسی و انتشار آن در محیطهای مسیحیان، مشهور می‌باشد.

اتوره روسی^{۳۲} ترک‌شناس (۱۹۵۵ - ۱۸۹۴ م.)، زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه رم (۱۹۴۸ - ۱۹۳۸ م.) تدریس کرد. او کتاب دستور زبانی از زبان فارسی و فهرستی از دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه واتیکان به چاپ رساند و نوشته‌های

زبان‌شناسی دلاواله، و نیز منابع شرقی و فارسی راهنمای توراندخت و برخی از اشکال تاریخ سیاسی و ادبی مدرن ایران زمین را مطالعه کرد. او نگارش فهرست جزوه‌های تعزیه را که هم‌اکنون در کتابخانه واتیکان نگهداری می‌شود، را شروع کرد. این کلکسیون معروف عبارت است از تعداد ۱۰۵۵ دست‌نویس، که ۳۰ شمار آن به ترکی و ۳ عدد به زبان عربی و نیز ۱۷ کتاب چاپ سنگی، فهرست آن توسط المسیو بونیاچی^{۲۳} به اتمام رسیده و چاپ گردیده. او ترکی‌شناسی مشهور دیگری بود که مطالعات وسیعی به مورد ادبیات فارسی نمود و کتابی مهم در مورد کتیبات به خط کوفی و حاوی از ابیات فارسی قصر سلطان مسعود سوم غزنی بچاپ رساند. مجموعه تعزیه، که بزرگترین مجموعه موجود در دنیا است، توسط دیپلمات و اسلام‌شناس و حبشه‌شناس انریکو چرولی^{۲۴} (۱۹۸۸) (۱۸۹۸ م.) در طول اقامتش در تهران زمانی که سفیر ایتالیا در ایران بود (۱۹۵۴ - ۱۹۵۰ م.) جمع‌آوری شده است. چرولی مقالات متفاوتی در مورد تأثیر مذهبی شیعه نوشته است که به نظر او اصالت این تعزیه‌ها به نیاز تبلیغاتی اولین شاهان صفوی برمی‌گردد و یا شاید توسط خود شاه اسماعیل پایه‌ریزی شده است. بر اساس مدارک و حقایق تاریخی، انتظار می‌رود که تز فوق‌الذکر تأیید گردد. به نظر سایر نویسندگان اصلیت تعزیه جدیدتر از آنست. در حالیکه چرولی معاونت ریاست آکادمی ملی لینه‌چه‌ای را بعهده داشت چندبار مجمعی بین‌المللی درباره شاعران کلاسیک ایران ترتیب داد، بشرح زیر:

جلال‌الدین رومی (۱۹۷۴ م.) - نظامی (۱۹۷۵ م.) - حافظ (۱۹۷۶ م.) - عطار (۱۹۷۷ م.) - سنائی (۱۹۷۸ م.).

عرب‌شناس و اسلام‌شناس مشهور فرانچسکو گابریئلی^{۲۵} (متولد ۱۹۰۴ م. و اکنون نیز در حیات فعال است) در طول بیش از نیم‌قرن، تعداد بیشماری جزوه‌های مربوط به تاریخ ادبیات فارسی را به چاپ رساند. به خصوص مقالاتی درباره نویسندگان و شاعران ایران و از تاریخ ادبیات فارسی، به منظور درج در دائرةالمعارف ایتالیائی (۱۹۳۸ - ۱۹۲۹ م.) نوشت. رباعیات عمر خیام را ترجمه و سفرنامه ناصر خسرو را مطالعه و بررسی کرد. اشکال ادبیاتی عرب و فارسی را به مقایسه گرفت. اثر بیزی را باز آفرینی کرد، و برخی از دوره‌های تاریخ سیاسی سلسله پهلوی را تفسیر نمود.

چوسپه توچی^{۳۶}، شرق شناس بزرگ و مشهور، سیاح و باستان شناس (۱۹۸۴ - ۱۸۹۴ م.) سهم به سزائی در زمینه مطالعات ایران شناسی داشته است.

در مقام ریاست ایسمتو^{۳۷} (رم) از سال ۱۹۵۷ م. فعالیت حفر و مرمت آثار باستانی در افغانستان (منطقه غزنی) و در ایران (سیستان و تخت جمشید و اصفهان)، بعهده سرپرستی او بود و نتایج علمی کارهای مربوطه در همه دنیا مشهور است، به علاوه تعدادی از انتشارات مربوط به تاریخ و ادبیات ایران را به عهده داشته است. از میان تعداد بسیار باستان شناسان، تاریخ شناسان هنر و معماری، مرمت گران که مأموریت و یا گزارشها و انتشاراتی در این رابطه داشته‌اند، لازم است لااقل اسامی زیر را نام ببریم:

ائوجنیو گالدیری^{۳۸}، اومبرتو شرآتو^{۳۹}، بریت تلیا^{۴۰}، مائوریزو توسی^{۴۱}، جوسپه زاندر^{۴۲}، همچنین فعالیتها و انتشارات مختلف هیأت‌های اعزامی باستان شناسان، که بعدها توسط گروههای منفرد محققین، انجام شده، قابل توجه می‌باشد. در این مورد، میبایستی گزارشی از سوی متخصصان باستان شناسی و تاریخ هنر، تهیه شود.

گسترش مطالعات ایران شناسی در ایتالیا در زمینه باستان شناسی، نشانه تغییرات عمیق در اعصار است. ایتالیا خود، از ابتدای سالهای پنجاه، با انقلابی اقتصادی - اجتماعی، تغییری بنیادین یافت، زیرا که در دوره‌ای بس کوتاه، ایتالیا که کشوری بر پایه کشاورزی بود به کشوری صنعتی تبدیل شد. به این ترتیب با روندی که روز بروز، در طول ۲۰ سال اخیر سریع تر می‌شد، در زمینه‌های تحقیق، تغییر شکل می‌یافت. پژوهشگران ایران شناس نیز در بخش‌های متعدد و مراکز متعدد تدریس و تحقیق، رشدی بی سابقه یافتند. به تدریج گروههای مختلف مطالعاتی و محققین منفرد تشکیل شد که هر یک در منشأ گرایشها و در روش علمی با یکدیگر متفاوت می‌باشند.

رسم تابلوئی از ایران شناسان در ایتالیای معاصر، همچنین اشاره به نام کلیه ایران شناسان و محققین فعال در زمینه‌های مختلف مطالعاتی در اینجا مقدور نمی‌باشد. از سوی دیگر، در این رابطه با کتاب شناسی معین و مطالعات مخصوص به آن در دسترس می‌باشد. در اینجا تنها به برخی اصول اشاره می‌نمایم.

اما ناگفته نماند که علی‌رغم رشد، عظیم مطالعاتی و افزایش شمار محققین، هیچ

مؤسسه دانشگاهی و یا مرکز تحقیقاتی بطور مشخص و معین به ایرانشناسی تخصیص داده نشده است، و این خود باعث ایجاد مسائلی است. مطالعاتی که مربوط به بخش‌های مختلف ایرانشناسی می‌گردد علاوه بر شهرهای متعدد، ساختارهای متفاوت دانشگاهی داشته و در مؤسسات مستقل، بطور پراکنده، توزیع شده است. در هر حال می‌توان گفت که مؤسسه دانشگاهی شرق شناسی ناپل، همانند گذشته، تقدم و برتری کیفیت خود را در مقام مکانی جهت مطالعات ایران شناسی در سطح بین‌المللی به ثبوت رسانده است.

در ۱۹۵۷ م، برای نخستین بار، در همانجا بود که کرسی استادی زبان و ادبیات فارسی تشکیل شد و ریاست آن به عهده الساندو روباوژانی^{۲۴} ایران شناس و اسلام شناس و زبان شناس مشهور (۱۹۸۸ - ۱۹۲۱ م) بود. او مؤلف جزوات و گزارشات مطالعاتی مهم و متعددی چه در مورد ایران اسلامی، چه در زمینه زبان شناسی ادبیاتی، علمی - فلسفی، مذهبی و چه در مورد تاریخ ادیان در ایران باستان بود. در زمینه تاریخ ادبیات کلاسیک و مدرن ایران متخصص بود و بویژه، خصوصیات زیباشناسی، تأثیر ادبیات فارسی در ادبیاتهای شبه قاره هند همچون اردو، پنجاب و بنگالی را مطالعه و بررسی کرد. به ترجمه و تفسیر آثار شعر عمر خیام، رومی، نظامی، بیدل و اقبال پرداخت. از ۱۹۷۱ م. به تدریس اسلام شناسی در دانشگاه رم مشغول بود. و نیز اوقات خود را وقف مطالعه تاریخ علوم چون اخترشناسی و ریاضی در جهان اسلام کرد.

در ۱۹۶۷ م، برای نخستین بار نیز در ناپل کرسی استادی فیلولوژی ایرانی تأسیس شد و ریاست آن با پروفسور گرادونیولی^{۲۵} بود. او متخصص مشهوری در تاریخ زرتشت و مانی‌گری و تاریخ ادیان، فرهنگ و سیاست ایران باستان است. در این زمینه‌ها آثار متعددی به چاپ رسانده، از آن میان کتاب جدید او درباره دوره و سرزمین زرتشت می‌باشد. نیولی یکی از اصلی‌ترین ایران شناسان اروپائی در رابطه با ایران باستان بشمار می‌رود. در زمینه مطالعاتش تعدادی از شاگردان و محققین ایتالیائی را جلب کرده است. او هم‌اکنون ریاست ایسمو را به عهده دارد.

از سال ۱۹۸۰ م. کرسی استادی زبان و ادبیات در مؤسسه شرق شناسی ناپل، به پروفسور جووانی در مه^{۲۶}، تعلق دارد. او متخصص در دستور زبان فارسی است و در این

مورد کتاب با ارزشی نیز به چاپ رسانده است. همچنین روش نگارش خط میخی ایران باستان را نیز مطالعه کرده است. اثر عبید زاکانی را ترجمه کرده و مقاله‌هایی هم در مبحث زبان و ادبیات نوشته است. هم‌اکنون او مدیر سمینار مطالعات آسیاشناسی در ناپل می‌باشد. از سال ۱۹۸۰ م. پروفیسور آدریانو والرینو روسی^{۴۷} از شاگردان بنده صاحب کرسی استادی زبان شناسی ایران است. او متخصص خط میخی پارسی باستان، پهلوی و زبان و فرهنگ بلوچ است. در این زمینه‌ها کتب و مقالات بسیاری به چاپ رسانده است. وی از سال ۱۹۸۲ م. مدیر یک مجله تحقیقات بلوچی می‌باشد و هم‌اکنون نیز معاونت ریاست مؤسسه دانشگاهی شرق شناسی ناپل به عهده اوست.

در این مؤسسه دانشگاهی از گذشته تا کنون پیوسته دانشمندانی تدریس کرده‌اند که در زمینه مطالعات ایران شناسی بسیار نمونه و برجسته بوده‌اند. از این میان باید از پروفیسور پیوفیلیپانی رونکونی^{۴۸} هند و ایران شناس مشهور نام برد که ایده‌نولوژی شاهنشاهی ایران باستان و تاریخ شیعه اسماعیلیان را مطالعه و کتاب‌گشایش و ره‌ایش ناصر خسرو و همچنین متن ام‌الکتاب را ترجمه کرده است.

چند سالی است که در مؤسسه دانشگاهی شرق شناسی ناپل، دوره‌های تخصصی آمادگی پژوهشگران جدید در زمینه ایران‌شناسی، تأسیس شده است. این دوره مطالعات که نام آن «دکترای تحقیق» است، مخصوص فارغ‌التحصیلان می‌باشد. آنها پس از قبولی در کنکور، بورس تحصیلی دریافت می‌کنند و می‌بایست در طی دوره سه ساله تحصیل رساله‌ای از تحقیقی خاص ارائه دهند که در پایان آن عنوان دکتر در تحقیقات و در این مورد، دکتر در تحقیقات ایران شناسی دریافت می‌نمایند. اخیراً ۹ نفر متخصص مشغول تهیه این رساله‌های تحقیقاتی می‌باشند، که تازه نیز مقاله‌های تحقیقاتی خاص خود را در بخش‌های مطالعاتی خویش به چاپ رسانده‌اند. نامبرده‌گان به شرح زیر می‌باشند:

میکله برناردینی^{۴۹}، شاگرد بنده، که رساله‌ای در مبحث مثنوی هفت منظر از هاتفی آماده می‌کند، کارلوچرتی^{۵۰}، متخصص زبان سفدی، خانم فلیچتا فرارو^{۵۱} متخصص مردم‌شناسی بلوچ، خام‌الیانافلیپونه^{۵۲}، متخصص زبان پارتی. پاسکواله جونتا^{۵۳}، متخصص زبان کردی. مائوروماچی^{۵۴}، متخصص زبان سکاتی و ختائی. دانیلا منگینی^{۵۵}،

متخصص دیوان حافظ. آنتونیو پانائینیو ۵۶، متخصص زبان اوستائی، ماریو ویتالونه ۵۷، متخصص جزوات روایات دین زرتشتی.

در سال ۱۹۷۵ م. برای نخستین بار کرسی استادی زبان و ادبیات فارسی که اینجانب صاحب آن می‌باشم، در دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه رم تأسیس شد. از سال ۱۹۶۷ اینجانب در این دانشکده تدریس می‌کرده‌ام و سنت زورخانه را مطالعه کرده، تاریخ روابط ایتالیا و ایران دوره فاجار و تاریخ مطالعات ایران شناسی در ایتالیا و تاریخ خط عربی و هنر ایرانی کتاب، مبحث ترسیم موضوعات و قهرمانان ایرانی در متون ادبی ایتالیایی، بخصوص در تأثر و آثار موسیقی را مطالعه و بررسی کرده‌ام. اینجانب همچنین قطعاتی از جزوه‌های کلاسیک ایرانی را در قالب شعر کلاسیک ترجمه کرده و کتاب تاریخ و تحقیق و مطالعه ادبیات فارسی، کتاب شناسی ایتالیایی ایران، در رابطه با سالهای ۱۹۸۲ - ۱۴۶۲ م. و فهرست دست نویس‌های فارسی در کتابخانه‌های ایتالیا را به چاپ رسانده‌ام.

در همین دانشگاه رم، در گذشته و حال تعداد بسیاری دانشمند تدریس کرده‌اند. از میان زبان شناسان پروفیسور والتریلاردی^{۵۸} را نام می‌بریم، متخصص زبان اوستا و جزوات پهلوی و پروفیسور جورجو ریموندو کاردونا^{۵۹} (۱۹۸۸ - ۱۹۴۳ م.) که مقالات بسیاری در مورد زبان ایرانی به چاپ رسانده و کتاب سفرنامه اثر ممبره را به اهتمام او چاپ گردیده است. پروفیسور اوگوبیانکی^{۶۰} کتابهای بسیاری در مورد تاریخ ادیان در ایران باستان به چاپ رسانده است. پروفیسور شرآتو که از او قبلاً در میان باستان شناسان نام برده‌ام گونه‌های مختلف معماری و هنر ایرانی در عصر اسلام را مطالعه و بررسی کرده است. خانم پروفیسور جوانا کالاسوا^{۶۱} که شاگرد بنده نیز بوده، متخصص در اسلام شناسی و ادبیات فارسی کلاسیک است، و لیلی و مجنون نظامی را ترجمه کرده و خاورنامه ابن حسام را مطالعه و بررسی کرده است. خانم پروفیسور بیانکاماریا اسکارچیا آمورتی^{۶۲} صاحب کرسی استادی اسلام‌شناسی و شاگرد پروفیسور بائوزانی مقالات زیادی به چاپ رسانده و به علاوه جزواتی در مورد تیپولوژی مذهبی، و آئین مذهبی و در مورد تاریخ شیعه اثنی عشری در ایران از ابتداء تا دوره صفویه و نیز در مورد سیاست سلسله پهلوی، و در مورد وقایع سیاسی و ایده‌تولوژی انقلاب اسلامی به چاپ رسانده است.

در دانشکدهٔ زبان و ادبیات خارجی دانشگاه ونیز در سال ۱۹۷۶ م. برای نخستین بار کرسی زبان و ادبیات فارسی تأسیس شد که پروفسور جانروبرتواسکارچیا^{۶۳} ریاست آن را بعهده داشت. او نیز متخصص برجستهٔ تاریخ شیعهٔ اثنی عشری در ایران می‌باشد. بعدها به کرسی استادی تاریخ ادیان ایران و آسیای مرکزی منتقل شد. تاریخ ادبیات فارسی را نوشت و قطعاتی در مورد شعر غنائی ایران، افغان و تاجیک، کلاسیک و مدرن و معاصر ترجمه کرده است و مقالات مختلفی دربارهٔ تاریخ هنر ایرانی به چاپ رساند. پروفسور جورجو ورچلین^{۶۴} از ۱۹۸۰ م. صاحب کرسی استادی زبان و ادبیات افغانی است، او متخصص در تاریخ افغانستان معاصر است. از سال ۱۹۸۷ م. پروفسور ریکاردو زیپولی^{۶۵} متخصص معروف شعر غنائی فارسی و سبک هندی صاحب کرسی در ادبیات «ایرانی» یعنی پارسی است. در همان دانشگاه ترک شناسی ماریو گرنیاسکی^{۶۶} تدریس کرده است که کتابها و مطالعات مهمی بر تاریخ انتقال جزوات اداری ساسانیان به خلافت اسلام، و در مورد تأثیر آئین نامه‌ها در تاریخ ادبی عرب، و تاریخ اقتصاد ایران دورهٔ ساسانی، به چاپ رسانده است.

از ۱۹۸۷ م. در دانشگاه بلونیا کرسی استادی زبان و ادبیات فارسی تأسیس شده است که پروفسور مائوریزیو پیستوسو^{۶۷} متخصص مطالعات تاجیکی عنوان آن را هاراست. و در دانشگاه کاتولیک میلان خانم پروفسور والریا فیورانی پیاچنتینی^{۶۸} تاریخ و سیاست بین‌المللی را تدریس می‌کند که کارهای مختلفی دربارهٔ تاریخ منطقهٔ هرمز و منطقهٔ خلیج فارس به چاپ رسانده است.

در دانشگاه پیزا پروفسور الیوپرواسی^{۶۹}، از شاگردان پروفسور نیولی و متخصص زبان اوستا و پهلوی، زبان شناسی ایرانی را تدریس می‌کند.

در مجموع، هم‌اکنون در ایتالیا چهار کرسی زبان و ادبیات فارسی وجود دارد و این واقعیت است که سابقه نداشته و همانند آن در اروپا وجود ندارد.

در سال ۱۹۸۳ م. پیش ایسمو در رم، جامعهٔ اروپائی ایرانشناسی^{۷۰} تشکیل شد. و به‌همین مناسبت سمیناری نیز در مورد تاریخ مطالعات ایران شناسی در اروپا در زمینه‌ها و بخش‌های مختلف، برگزار شد. در سپتامبر ۱۹۸۷ م. در تورن اولین کنگرهٔ اروپائی مطالعات ایران شناسی، توسط همین جامعه برگزار گردید، که برخی از دانشمندان ایرانی

نیز در آن شرکت کردند و یکی از آنها استاد ارجمند باستانی پاریزی بوده است.
جهت اطلاعات بیشتر و با جزئیات، در مورد مباحث فوق‌الذکر به آثار
اینجانب که در ذیل می‌آید، مراجعه فرمائید:

Bibliografia dell' Iran (1462 - 1982), Napoli, Istituto Universitario
Orientale, 1982.

Italian Scholarship on Iran (An Outline, 1557 - 1987)", in **Iranian
Studies**, vol. xx, 1987, pp. 99 - 130.

یادداشتها

۱- Giosafat Barbaro

۲- Ambrogio Contarini

۳- Marin Sanudo Il Giovane

۴- Sofi

۵- Michele Membre

۶- Il Peregrinaggio Di tre Giovani Figliuoli Del Re Di Serendippo,
Venezia, Michele Tramezzino, 1557.

۷- Stamperia Orientale Medicea

۸- Giovan Battista Raimondi

۹- Giovan Battista Vecchietti, Gerolamo Vecchietti

۱۰- Ignazio di Gesu (Ignatiuds a Jesu)

۱۱- Paola Orsatti

۱۲- Maurizio Garzoni

۱۳- Pietro Della Valle

۱۴- Filippo Bertotti

۱۵- Luigi Ferdinando Marsili

- | | |
|--|---|
| ۱۶- Jacopo Nani | ۴۱- Maurizio Tosi |
| ۱۷- Romualdo Tecco | ۴۲- Giuseppe Zander |
| ۱۸- Filippo De Filippi | ۴۳- Istituto Universitario Orientale di
Napoli |
| ۱۹- Cristoforo Negri | ۴۴- Alessandro Bausani |
| ۲۰- Guglielmo Berchet | ۴۵- Gherardo Gnoli |
| ۲۱- Enrico Andreini | ۴۶- Giovanni M. D'Erme |
| ۲۲- Giacomo Lignana | ۴۷- Adriano Valerio Rossi |
| ۲۳- Gherardo De Vincentiis | ۴۸- Pio Filippini Ronconi |
| ۲۴- Luigi Bonelli | ۴۹- Michele Bernardini |
| ۲۵- Italo Pizzi | ۵۰- Carlo Cereti |
| ۲۶- Vittorio Rugarli | ۵۱- Felicetta Ferraro |
| ۲۷- Leone Caetani | ۵۲- Eliana Filippone |
| ۲۸- Raffaele Pettazzoni | ۵۳- Pasquale Gionta |
| ۲۹- Giuseppe Messina | ۵۴- Mauro Maggi |
| ۳۰- Antonino Pagliaro | ۵۵- Daniela Meneghini |
| ۳۱- Ugo Monneret de Villard | ۵۶- Antonio Panaino |
| ۳۲- Ettore Rossi | ۵۷- Mario Vitalone |
| ۳۳- Alessio Bombaci | ۵۸- Walter Belardi |
| ۳۴- Enrico Cerulli | ۵۹- Giorgio Raimondo Cardona |
| ۳۵- Francesco Gabrieli | ۶۰- Ugo Bianchi |
| ۳۶- Giuseppe Tucci | ۶۱- Giovanna Calasso |
| ۳۷- Is. M.E.O : Istituto Italiano per
il Medio ed Estremo Oriente | ۶۲- Biancamaria Scarcia Amoretti |
| ۳۸- Eugenio Galdieri | ۶۳- Gianroberto Scarcia |
| ۳۹- Umberto Scerrato | ۶۴- Giorgio Vercellin |
| ۴۰- Britt Tilia | ۶۵- Riccardo Zipoli |

۶۶- Mario Grignaschi

۶۷- Maurizio PISTOSO

۶۸- Valeria Fiorani Piacentini

۶۹- Elio Provasi

۷۰- Societas Iranologica Europaea (S.I.E.)



عکسی تازه از محمد علی جمالزاده